یادداشت روز

سیدرضی، شهادتی بی‌صبرانه

– موقع بیان جمله آخر، بغضش ترکید و گفت «خدا از زبانت بشنود». کاملاً پیدا بود که غمی سنگین تار و پود وجودش را متأثر کرده است. یک سال گذشته بود و او هنوز لباس مشکی را از تن در نیاورده بود؛ پرسیدند چرا؟ گفت تا به قولش عمل نکند، از تن بیرون نخواهم کرد. حرفش کمی بوی لجبازی می‌داد، ولی نه. بی‌صبری‌اش، طبیعی بود، نمی‌خواست زیاد از «دوست قدیمی»اش که خود را مدیون او می‌دانست دور بیفتد. گاهی هم زیر لب غرغر می‌کرد؛ خود گفتی «تو دیگر به درد ماندن نمی‌خوری، باید بروی» پس چه شد؟ چرا کمک نمی‌کنی؟ اشک جلوی دیدگانش را تار کرده بود، بلند شد رفت سمت پنجره، پرده را کنار زد ولی پنجره را باز نکرد. معلوم بود دنبال هوای تازه نیست، دنبال «جای تازه» است. بی‌حوصله برگشت در گوشه‌ای نشست و دست‌های خود را دور دو طرف صورتش گرفت. چشمانش بسته بود، معلوم بود در درونش غوغایی برپاست و دیگر چیزی او را قانع نمی‌کند. این حالت در او دقایق طولانی ادامه پیدا کرد. بعد از روی میز سوئیچ ماشین را برداشت و در دست خود فشار داد. مثل اینکه چیزی در ذهنش خطور کرده باشد. نزدیک‌ترین حدس این بود که نخواسته به چیزی که آن را مانع شهادت خود می‌دید، اهمیتی بدهد. بارها به او گفته شده بود «سیدرضی مواظب خودت باش». هیچ چیز او را به اندازه این عبارتی که مکرر شنیده بود، ناراحت نمی‌کرد. دوستانی به قاعده «حفاظت» به او توصیه کرده بودند، به هیچ وجه دمشق را امن نداند، حاج رضوان در همین دمشق ترور شده بود و «عبدالله» در نزدیکی‌های سفارت ایران ربوده شده بود و معلوم بود که موساد آدرس همه را دارد و این البته کار پیچیده‌ای هم نبود؛ چرا که این‌ها آدم‌های اطلاعاتی نبودند تا برای هر تماس و یا حضورشان ده جور ملاحظه را ردیف کنند. آدم‌های «نهضتی» بدون تماس فراگیر با افراد و رفت‌وآمد و تحرک، کارشان نمی‌شود و این همه تماس و رفت‌وآمد نمی‌تواند از چشم‌های سازمان‌های اطلاعاتی ولو این سازمان‌ها خیلی هم قوی نباشند، دور بماند.

فکر می‌کنم اواسط ۱۳۹۲ بود که به دلیل نگرانی‌هایی که وجود داشت، به «حاج قاسم» پیغام رسید، این‌قدر تردد نکند، چون خطرناک است و بگذارد «کمتر شناخته‌شده‌ها» در رفت‌وآمد باشند، حاج قاسم پاسخ داده بود، من واقعاً نمی‌توانم از دور مدیریت کنم، این کار شدنی نیست. در نهایت پیغام مقداری تغییر کرد و قرار شد «حاج قاسم مراقب خود باشد». همان موقع، این جمله مرا یاد مادرم انداخت که وقتی یکی از فرزندانش راهی جبهه می‌شد بعد از آنکه کاسه آب را سرازیر می‌کرد می‌گفت، مراقب خود باش و معلوم بود که این را دیگر از سر ناچاری می‌گوید و خود هم می‌داند فایده‌ای ندارد. خب مادر است دیگر!

آن روز سیدرضی از پله‌ها پایین آمد، هیچ‌کس همراهش نبود و کسی هم در خانه نبود. سوار ماشین شد و پشت رل قرار گرفت و راهی شد. چند ساعت بعد، در برگشت هم همین‌طور آمد وارد ساختمان شد. دقایقی نگذشت که تصویری تمام‌قامت را از حاج‌قاسم روبه‌روی خود دید. همان تصویر که یک چفیه فلسطینی را دور سرش دستار کرده و قیافه پهلوانی به خود گرفته است. کمی که تأمل کرد دید خودش است، تصویر نیست، خواب هم نیست. خشکش زد و حاج قاسم تبسم‌کنان جلو آمد و گفت سیدرضی دست‌بردار که نیستی حالا ما یک چیزی گفتیم! سید تازه نگاهی به پشت سرش انداخت متوجه شد با «موشک‌هایی بدون آنکه متوجه شود، مسیر معراج را از «زینبیه»، خیلی نزدیک به نقطه‌ای که «بارکنا حوله» خوانده شده، سپری کرده است!

– هفت، هشت ماهی از بحران سوریه گذشته و اوضاع بشدت به‌هم ریخته بود. دوم یا سوم عید نوروز سال نود و دو بود، برای ده، دوازده روزی راهی دمشق شدم. وقتی هواپیما در فرودگاه یا به قول خودشان «مطارالدولی دمشق» نشست، صدای تیراندازی بی‌وقفه ادامه داشت. ماشین ما با سرعتی که گمان نمی‌کردم کمتر از ۲۰۰ کیلومتر باشد و هر راننده‌ای قدرت آن نداشت، فرودگاه را به سمت محل سفارت ایران ترک کرد. متوجه شدم که اطراف فرودگاه و دو طرف جاده‌ای که به مرکز شهر منتهی می‌شد، در تصرف تکفیری‌ها قرار دارد. سرعت زیاد ماشین مانع نشانه قرار گرفتن دقیق از جناحین آن می‌شد. من یک فرد معمولی بودم ولی همه میهمان‌هایی که از تهران به دمشق می‌آمدند، معمولی نبودند. ضمن آنکه در آن موقع، شهادت معمولی‌ها هم بی‌پیامد نبود و حساسیت زیادی ایجاد می‌کرد؛ از این‌رو در شرایطی که حدفاصل فرودگاه تا شهر دمشق در تصرف داعش بود، انتقال میهمانان یا نیروهای رزمی به مرکز شهر دمشق و یا انتقال به مناطق دیگری در شمال و جنوب سوریه که هر روزه صورت می‌گرفت، کار خیلی پیچیده‌ای بود. این کار پیچیده به‌عهده سیدرضی بود.

اما برای سید «سخت‌ترین» زمان موقعی بود که حاج‌قاسم بنا داشت وارد سوریه شود و این صحنه بین یک تا دو بار در هفته رخ می‌داد گاهی هم البته حضور حاجی در سوریه طولانی می‌شد و در جریان عملیات آزادسازی بوکمال به چهل روز هم رسید که البته این هم جداگانه برای سیدرضی دردسرهای خاص خود را داشت.

سیدرضی کار مدیریت انتقال افراد عادی، نیروهای مستشاری و شخصیت‌های سیاسی از فرودگاه تا شهر دمشق و انتقال به خطوط درگیری را با مهارت خاصی انجام داد، به گونه‌ای که در این دوران طولانی، آسیبی به افراد در حین انتقال وارد نشد و این سطح مهارت او را نشان می‌داد.

سیدرضی البته در ۱۳۸۵ مشابه همین وظیفه را در بیروت هم انجام داده بود. ۳۳ روز جنگ، روزهای حساسی را برای لبنان رقم زد و این در شرایطی بود که «مطارالدولی بیروت» زیر نفوذ و نظر آمریکا و سازمان سیا قرار داشت و این را هر کسی می‌دانست. در آن زمان سیدحسن نصرالله، فؤاد سینیوره نخست‌وزیر را قانع و یا به او تحمیل کرده بود که به حزب‌الله نیز در کنترل فرودگاه بین‌المللی بیروت نقش دهد. سیدرضی بدون آنکه روند اداره فرودگاه بیروت را تغییر دهد، عملاً رفت‌وآمدها را تحت کنترل گرفت و چک نیروهای مرتبط با حزب‌الله را از کنترل آمریکا خارج کرد. او شش سال بعد با کوله‌بار سال ۸۵ به سوریه آمد. معلوم بود که این‌جا سوریه است، لبنان نیست و چارچوب خود را می‌خواهد. سید این کار را به خوبی انجام داد. ساختار چابکی که او تدارک دید از عهده کار برآمد. خیلی وقت‌ها گمان می‌شود موفقیت وابسته به این است که در ساختار جزئیات دیده و برای هر جزیی، متولی جداگانه‌ای در نظر گرفته شود که بتواند به طور خودکار و بدون نیاز به «عنصر رهبری سازمانی»، کار خود را بکند. سیدرضی و حاج‌قاسم معتقد بودند چنین ساختاری ساختار زمان صلح است نه ساختار زمان جنگ. یک بار حاج قاسم تحت فشار، زیر بار استفاده از راهبرد «نیروی انبوه» رفته بود ولی نتیجه‌ای دربرنداشت.

سیدرضی در سوریه با تعداد محدودی دست به کار شد. یک نیروی او باید همزمان چندین کار موازی را بلد بود و انجام می‌داد؛ رزمندگی، مسئول پشتیبانی، مسئول تهیه گزارش‌ها، راننده و... در خیلی از مواقع یک نفر بود. این مدل جنگیدن و حل مسئله شهید سلیمانی بود که در سیدرضی هم اثر عمیقی برجای گذاشته و او را تربیت کرده بود.

– همین چند روز پیش از شهادت سیدرضی؛ مادری سراغ او را می‌گرفت. شوهر این خانم، پیش از حمله داعش، در سوریه آشپزی می‌کرده و به همراهی ۷ - ۸ نفر دیگر از افراد ایرانی به مردم سوریه و نیز به ایرانیان از جمله نیروهای سیدرضی هم غذا می‌فروخته‌اند. او در سال ۱۳۹۱ به همراه آن جمع به اسارت داعش درمی‌آید و دیگر از سرنوشت او و بقیه خبری نمی‌شود. بعد وضعیت خانواده این‌ها و رسیدگی به آنها در ایران گره می‌خورد. مثل خیلی از موضوعات ساده‌ای که در ایران ما گره می‌خورد و ده تا کمیسیون هم حریف حل آن نمی‌شوند. این مادر در بین هر ده دوازده کلمه نام سیدرضی هم می‌آورد و می‌گفت سیدرضی از همه چیز خبر دارد و چند بار هم پیگیر حل مشکل شده ولی به جایی نرسیده است. کاملاً پیدا بود که چتر حمایت سید فقط نیروهای خود و یا نیروهای رزمی ایرانی را تحت پوشش قرار نداده بود، بلکه هر مظلومی را دربرمی‌گرفت.

– چهار روز پیش سیدرضی برای آخرین بار به ایران آمد، با مردم دیدار کرد، به دیدار رهبری رفت و در «امامزاده صالح» تهران به خاک سپرده شد. نمی‌دانم چیزی از او مانده بود تا به خاک رود یا اینکه فقط نشانه‌هایی از او بر دستان دوستان تشییع شد.

سیدرضی آن‌قدر چشم در چشم سلیمانی شد تا بالاخره با همان شیوه‌ای که حاج‌قاسم با آن رفت، پر کشید. نزدیک‌های حرم با موشک حرامیان اسرائیلی و شهادتی مفقودالاثرانه. سیدرضی حاج‌قاسمی زندگی کرد، حاج‌قاسمی فکر کرد و حاج‌قاسمی شهید شد. نمی‌خواست ارباب اربابِ اربابِ شده را با بدن سالم ملاقات کند. این البته آرزوی همه شهیدان بود که فقط بعضی از شهدا به آن رسیده‌اند. سال ۶۱ یکی از دوستان بسیار عزیزمان را تشییع کردیم که از او جز سری باقی نمانده بود؛ شهید حمید عارف - دارابی - که روز ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده و روز شهادتش رفته بود. وقتی وصیت‌نامه‌اش باز شد در آن نوشته بود «خدایا من خجالت می‌کشم که در قیامت، سرور شهیدان بدنش پاره‌پاره باشد و من سالم باشم. بار پروردگارا از تو می‌خواهم هر زمان که صلاح دانستی شهید شوم، ضمن اینکه به تمام مقربانت قسمت می‌دهم که مرگ در رختخواب را نصیبم نکنی. اگر شهادت نصیبم شد، بدنم تکه‌تکه شود که شرمنده نباشم».

سعدالله زارعی

آیت‌الله رئیسی در سیزدهمین اجلاسیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

هر جا در بخش اقتصاد، سیاست و فرهنگ بر مبنای گفتمان امام و رهبری عمل کردیم، موفق بوده‌ایم

رئیس‌جمهور گفت: بر اساس تجربه، هر جایی در بخش اقتصاد، سیاست و فرهنگ که بر مبنا و اصول گفتمان امام و رهبری عمل کرده‌ایم، حوزه موفقیت ما بوده و هر آنجا که نسبت به این اصول و مبانی غفلت داشته‌ایم با کاستی مواجه شده‌ایم.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در «سیزدهمین اجلاسیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» حضور در این جمع را برای خود و دولت مغتنم توصیف و تصریح کرد: ارتباط دولت با حوزه‌های علمیه عموما و با حوزه علمیه قم خصوصا که همواره مبدا و حامی انقلاب شکوهمند اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی بوده و خود را نسبت به این حمایت در عرصه‌های کادرسازی، محتواسازی و مراقبت از امور متعهد می‌دیده برای هر دو طرف اطمینان‌بخش بوده و سرمایه‌ای بزرگ تلقی می‌شود.وی با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی شکل گرفت و ساختار و سازمان آن با هدف اداره اجتماع بر پایه دین ایجاد شد، افزود: جمهوری اسلامی به دنبال اثبات کارآمدی دین در عرصه اداره زندگی اجتماعی انسان معاصر بود. باور داریم که در مقابل تمدن‌های مدعی که امروز در دنیا وجود دارد، اجتهادی تمدن‌ساز وجود دارد که علی‌رغم همه تطورات و اتفاقات و نوآوری‌هایی که در جهان صورت گرفته در مقابل هیچ سؤالی از پاسخ بازنمی‌ماند و مبتنی بر فقه جعفربن محمد صادق(ع) می‌تواند پاسخگو و تامین‌کننده همه نیازهای امروز جامعه بشری باشد.

رئیس‌جمهور اظهار داشت: این دعوت کاملا مبتنی بر یک مبانی متقنی است که تاکنون توانسته در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی به معنی عام اثرگذار باشد و در عرصه جهانی حرف داشته باشد، لذا حتما این اجتماع عظیم و حضور علمای اعلام، هم‌اندیشی، همراهی و همکاری آنها می‌تواند بسیار اثربخش و امیدآفرین باشد.

رئیسی با اشاره به اینکه تلاش جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه با انکر منکرات یعنی رژیم ستم‌شاهی بود گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جامعه مدرسین همه هم و غم خود را حمایت از اعرف معروف‌ها یعنی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای رفع کاستی‌ها، نواقص و مشکلات مبتنی بر مبانی قرار داده است.

وی با بیان اینکه وقتی به ۴۰ سال گذشته نگاه می‌کنیم می‌بینیم که به لطف خدا خدمات بسیاری انجام و گام‌های مؤثری هم در کشور، هم در منطقه و هم در جهان برداشته شده، خاطرنشان کرد: لکن این هم‌اندیشی‌ها و نشست‌ها ما را وامی‌دارد که در آنچه انجام شده بازنگاهی کنیم و در وهله بعد ببینیم چه اقداماتی از این پس باید انجام بگیرد.

رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه خروجی چنین نشست‌هایی باید این باشد که با وجود موفقیت‌هایی که تاکنون با هدایت‌های امام راحل و رهبری فرزانه انقلاب اسلامی، مراجع بزرگوار تقلید و اساتید برجسته حوزه علمیه داشته‌ایم، اما به لحاظ نظری و عملی با چه نیازهایی مواجه هستیم، گفت: این همان موضوعی است که رهبری در حرم رضوی(ع) نسبت به آن تاکید داشتند؛ مسئله ضرورت تحول.

رئیسی نتیجه اصلی مورد انتظار از تحول را ارتقای بهره‌وری دانست و اظهار داشت: امروز در کشور بیش از هر چیز دیگری به سرمایه‌گذاری و ارتقای بهره‌وری نیاز داریم. اولین گام برای افزایش بهره‌وری کاملا فرهنگی است و نیاز به فرهنگ‌سازی در جامعه دارد. این فرهنگ‌سازی باید هم در عرصه اداره کشور صورت گیرد هم در میان عموم مردم چرا که هر جا که مشارکت مردم را داشتیم آنجا عرصه موفقیت نظام بوده است. وی با بیان اینکه دولت مردمی اساس و مبنای تحول را «سند گام دوم انقلاب شکوهمند اسلامی» قرار داده است، تصریح کرد: هر تحولی در کشور باید مستند به سند تحول گام دوم انقلاب اسلامی باشد که هم وضع موجود و هم وضعیت مطلوب را با اتکا به نگاه تحولی بسیار دقیق توصیف کرده است.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه گاهی از ما سؤال می‌شود که گفتمان دولت چیست؟ در پاسخ خاطرنشان کرد: گفتمان در دو کلمه نمی‌شود که بر فرض مثال ما بگوییم گفتمان دولت آزادی و عدالت است، این شعار است و نمی‌توان آن را گفتمان توصیف کرد. گفتمان با شعار درست نمی‌شود بلکه نیاز به این دارد که در جامعه نهادینه شود، مثل آنچه که در لسان امام و رهبری است، این را گفتمان می‌گویند. لذا ما گفتمان خودمان را همان گفتمان امام و رهبری قرار دادیم چون همین گفتمان باید اجرائی بشود.

رئیسی افزود: تمامی رویکردهای تحولی در دولت مردمی مستند به سند بالادستی گام دوم انقلاب اسلامی است، چرا که معتقدیم در این سند هم به واقعیت‌های موجود توجه شده و هم با نگاهی به آینده تنظیم شده است. دولت مردمی همچنین بر اساس این بیانیه، قریب به ۳۷ موضوع از مهم‌ترین مسائل مبتلابه کشور را بررسی و به استناد اسناد بالادستی برای آنها راهکار ارائه کرده است.

وی با ابراز تأسف از غفلت گذشتگان نسبت به گفتمان امام و رهبری برای حل مشکلات کشور تصریح کرد: بر اساس تجربه، هر جایی در بخش اقتصاد، سیاست و فرهنگ که بر مبنا و اصول گفتمان امام و رهبری عمل کرده‌ایم، حوزه موفقیت ما بوده و هر آنجا که نسبت به این اصول و مبانی غفلت داشته‌ایم با کاستی مواجه شده‌ایم.

رئیس‌جمهور تصریح کرد: اگر در حوزه فرهنگ به گفتمان امام و رهبری عمل می‌شد شاهد بسیاری از آسیب‌های اجتماعی که موجب رنج دلسوزان و دغدغه‌مندان شده، نبودیم و در بخش اقتصاد نیز اگر بر همین مبنا به اقتصاد مقاومتی عمل می‌شد اقتصاد کشور با تکانه‌های خارجی دچار مشکل نمی‌شد.

رئیسی انقلاب اسلامی را برخوردار از ظرفیتی عظیم برای ایجاد تحول در تمام شئونات زندگی مردم دانست و با اشاره به گرایش و تمایل ملت‌های مختلف جهان به انقلاب اسلامی تصریح کرد: ما معتقدیم مبتنی بر همین ظرفیت بسیار عظیم می‌توانیم عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم، دیپلماسی عزتمندانه را جایگزین دیپلماسی التماسی کنیم، در بخش اقتصاد و تجارت خارجی در منطقه دست برتر را داشته باشیم و در بخش فرهنگی جوانان را بیش از پیش مجذوب اسلام و سیره اهل بیت(ع) کنیم، بدون آنکه از اصول و مبانی خود کوتاه بیاییم یا وادادگی فرهنگی داشته باشیم. وی در ادامه جبران کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیاردی بدون استقراض از بانک مرکزی، افزایش رشد اقتصادی از ۴ دهم درصد به ۴٫۲ درصد، کنترل رشد نقدینگی از ۴۶ درصد به ۲۶ درصد، جلوگیری از اضافه برداشت مؤسسات مالی، افزایش ده‌ها برابری همکاری شرکت‌های دانش‌بنیان با وزارتخانه‌های اقتصادی و صنعتی، جبران بخش قابل توجهی از ناترازی در بخش آب، برق و گاز، رفع تنش آبی بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ روستا، شناسایی مؤدیان مالیاتی جدید بیش از مجموع تعداد مالیات‌دهندگان در گذشته در راستای اجرای عدالت مالیاتی، توزیع بودجه و اعتبارات بر اساس آمایش سرزمینی و کاهش قابل توجه نرخ بیکاری در دو سوم استان‌های کشور را از جمله اقدامات دولت در دو سال و نیم گذشته برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و رفع مشکلات اولویت‌دار کشور عنوان کرد.

رئیس‌جمهور با اشاره به شکست دو راهبرد دشمن در ناامیدسازی مردم و انزوای کشور افزود: ما مبتنی بر اصول و مبانی انقلاب اسلامی توانستیم با پیوستن به پیمان‌ها و ائتلاف‌های بزرگ جهانی نظیر شانگهای، بریکس و اوراسیا و اتصال اقتصاد کشور به زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای عضو این پیمان‌ها پروژه انزوای کشور را به شکست بکشانیم و با غلبه بر بسیاری از کمبودها، کاستی‌ها و نارضایتی‌ها دشمن را در ناامیدسازی مردم نیز ناکام بگذاریم. رئیسی نمایش کارآمدی دین در عرصه‌های مختلف زندگی مردم را وظیفه و مسئولیت سنگین دولت دانست و نقش علما و حوزه‌های علمیه را نیز در جهاد تبیین برای امیدآفرینی در جامعه و تقویت ایمان مردم را بسیار حائز اهمیت عنوان کرد. وی همچنین بر ضرورت تلاش برای کم کردن فاصله وضع موجود با وضع مطلوب با برقراری عدالت در اجرا، قانون‌گذاری و داوری تاکید کرد و نقطه نظرات اصلاح‌گرایانه علما و اندیشمندان را در این مسیر راهگشا و موجب غفلت‌زدایی از عملکردها عنوان کرد.رئیس‌جمهور در پایان همچنین به موضع قاطعانه جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مسئله فلسطین نیز اشاره کرد و گفت: آنچنان که در اجلاس ریاض نیز بیان کردم امروز حقانیت موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله فلسطین به تایید همه ملت‌های آزاده و آزادیخواه جهان رسیده، نقاب از چهره نفاق کنار زده شده و ماهیت رژیم جعلی و کودک‌کش صهیونیستی بر همگان آشکار شده است.

گفت و شنود

ولش نکنی‌ها!

گفت: «هرئیل شرفیت» سروان ارتش رژیم صهیونیستی یک فایل ویدئویی تهیه و منتشر کرده در آن با قاطعیت خطاب به نیروهای مقاومت می‌گوید «من تا ابد اینجا می‌مانم و شما را شکست می‌دهم و همه اسرای اسرائیلی در غزه را هم آزاد می‌کنم»!

گفتم: حالا چندتا از نیروهای حماس را شهید کرده و چندتا اسیر صهیونیست را آزاد ساخته؟!

گفت: خودش بعد از انتشار این ویدئو، با حمله نیروهای مقاومت به هلاکت رسیده و قبض جهنم را گرفته و رفته است!

گفتم: پس اون همه رجزی که می‌خوند و قُمپزی که در می‌کرد چی شد؟!

گفت: بعد از رجزی که خوانده بود، او را تشویق کرده و می‌گفتند، همین نیروهای حماس هستند که نظامیان اسرائیلی را می‌کشند و باید از آنها انتقام بگیری!

گفتم: یارو را برق سه‌فاز گرفته و به تشنج انداخته بود. مادرش گفت؛ ولش نکنی‌ها، ازش انتقام بگیر! همین بود که باباتو کُشت!

دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی به تجمع ۹ دی در سراسر کشور

تجمع تهران؛ امروز از ساعت ۱۵ در میدان امام حسین(ع)

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای از مردم برای شرکت در تجمع سراسری ۹ دی، روز بصیرت و میثاق امت با ولایت دعوت به عمل آورد.

در متن اطلاعیه دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی آمده است: یوم‌الله ۹ دی، پاسداشتِ بصیرت ملت در خنثی‌سازی توطئه آمریکایی- صهیونیستی است که به قصدِ ضربه‌زدن و استحاله نظام جمهوریِ اسلامی و ایجاد خلل در صفوف ملت و شکاف بین امت و امامت طراحی و به صحنه نمایش آورده شد ولی با تجلی دست قدرت الهی و سیلیِ محکم نسل سوم و با بصیرت انقلاب و با حضور بی‌نظیرِ مردم شکست خورد.

در ادامه این بیانیه خاطرنشان شده است: ذات آمریکا و رژیم منحوس صهیونیستی با بی‌ثبات‌سازی، تجاوز و توطئه سرشته شده و حملات جنون‌آمیز پس از شکستِ عملیات طوفان‌الاقصی و ترور سردارِ پرافتخار و الهام‌بخش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «سید رضی موسوی»، هم‌رزم دیرین شهید قدس و فلسطین حاج قاسم سلیمانی در آستانه سالروز شهادت ایشان، تداوم فتنه‌گری‌های نظام سلطه در منطقه و استمرار خطای راهبردی رژیم آپارتاید برای خروج از باتلاق خودساخته برای ترمیم آبروی از دست رفته خویش است. بی‌شک تنها راه مقابله با فتنه‌ها و اقدامات تحریک آمیز رژیم صهیونیستی و آمریکا، آگاهی از جنگ ترکیبی و پیچیده دشمن و همچنین بصیرت و پیروی از فرامین رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت‌آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) و ایستادگی بر آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی است.

در بیانیه یادشده همچنین آمده است: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ضمن تبریک و تسلیت شهادت سردار سرافراز اسلام به پیشگاه حضرت ولی‌عصر، رهبر معظم انقلاب و مردم ایران اسلامی از ملت بصیر ایران عزیز دعوت می‌نماید تا با حضور حماسی در مراسم یوم الله ۹ دی در تهران و سراسر کشور، ضمن محکومیت رژیم جنایتکار و تروریست اسرائیل حمایت خود را از آرمان‌های انقلاب اسلامی، گروه‌های مقاومت فلسطینی و تجدید میثاق با ولی امر مسلمانان جهان اعلام نمایند.

به گزارش مهر، مراسم یوم الله ۹ دی «روز بصیرت و میثاق امت با ولایت»، در تهران از ساعت ۱۵:۰۰ در میدان آئینی امام حسین (علیه‌السلام) با سخنرانی علیرضا زاکانی، شهردار تهران برگزار خواهد شد.

خبر ویژه

ایران از همه طرف اسرائیل را محاصره کرده و ضربه می‌زند

نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی دیروز، مسئولیت ترور دو سال قبل شهید صیاد خدایی (از فرماندهان سپاه قدس) را بر عهده گرفت اما با اعتراضاتی مواجه شد مبنی بر این که با زیاده‌گویی، امنیت اسرائیل را در مقابل ایران به خطر انداخته است. نفتالی بنت در واکنش به این اعتراض‌ها گفت: ایران هوشمندانه اسرائیل را محاصره کرده و در حال ضربه زدن است.

روزنامه وال‌استرین ژورنال دیروز یادداشتی از «بنت منتشر کرد که در آن آمده بود: «به عنوان نخست‌وزیر تصمیم دیگری در مورد ایران گرفتم و به نیروهای امنیتی دستور دادم که تهران را مجبور به پرداخت هزینه تصمیم خود برای حمایت از ترور کنند. مصونیت از مجازات بس است. پس از اینکه ایران در فوریه ۲۰۲۲ دو حمله نافرجام پهپادی انجام داد، اسرائیل یک پایگاه پهپاد در خاک ایران را منهدم کرد. همچنین در مارس ۲۰۲۲، فرمانده یک واحد تروریستی ایران در تهران ترور شد».

به گزارش رادیو فردا، «پس از آن که نخست‌وزیر سابق اسرائیل انجام دو عملیات در خاک ایران را تأیید کرد؛ واکنش‌های منفی در اسرائیل علیه این افشاگری صورت گرفت. بنت در این مقاله نوشت که در عملیات اسرائیل در داخل خاک ایران، یک پایگاه پهپادی منهدم شد. اشاره او به حمله به پادگانی در ماهی‌دشت در استان کرمانشاه در فوریه ۲۰۲۲ بود. بنت همچنین نوشته که در مارس سال ۲۰۲۲، یگان ترور ایران در صدد کشتن گردشگران اسرائیلی در ترکیه بود و ناکام ماند، و زمانی کوتاه پس از آن، فرمانده آن یگان در مرکز تهران کشته شد. به نوشته هاآرتص، ارزیابی شده بود که حسن صیاد خدایی افسر ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران، عامل برنامه‌ریزی حملات ناکام به اسرائیلی‌ها در ترکیه بود. به گفته رسانه‌های اسرائیلی، واحد ۸۴۰ نیروی قدس، مأمور برنامه‌ریزی و اجرای حملات ضد اسرائیل و غرب در خارج است».

مقاله بنت در وال استریت ژورنال، با انتقادهایی در اسرائیل روبه‌رو شده. برخی از منتقدین گفتند که این دولتمرد ارشد پیشین، محرمانه‌ترین امور اطلاعاتی اسرائیل را بدون موافقت اداره سانسور نظامی برملا کرد.

یعکوو کاتس، سردبیر پیشین روزنامه جروزالم پست در این باره نوشت: من امروز از اداره سانسور نظامی پرسیدم که آیا نفتالی بنت، مقاله خود را به تأیید این نهاد رسانده بود یا نه. پاسخ این بود: خیر!

کاتس افزود: افشاگری نفتالی بنت نقض قوانین سانسور و اقدامی غیرمسئولانه است، آن‌هم در یک مقطع مشکل‌آفرین، جنگ اسرائیل با حماس و در اوج تنش با ایران. انجام چنین کاری در یک روز عادی مشکل‌ساز است و انجام آن در بحبوحه جنگ و زمانی که تنش‌ها با ایران به اوج خود می‌رسد، نشان‌دهنده بی‌مسئولیتی است.

در پی این قبیل اعتراضات، بنت مجبور به ادای توضیحاتی شد و ضمن آن اذعان کرد که اسرائیل از سوی ایران و متحدانش به محاصره درآمده است. او اعلام کرد: «۳۰ سال است که اسرائیل درست در دام اختاپوس ایرانی افتاده است. استراتژی ایران، هوشمندانه و ساده است: تسلیحاتی را که اسرائیل را از همه طرف محاصره می‌کند، مستقر کند. خون فرزندان مان را بریزد، ما را خسته کند، در حالی که، تقریبا هیچ بهائی نمی‌پردازد».

بنت افزود: «مسئله و مشکل، انتشار اقداماتی نیست که ما علیه ایران انجام داده‌ایم و قبلا هم شناخته شده بود، بلکه این است که ایران از طریق حماس و حزب‌الله و حتی دریای حوثی‌ها (تحرکات حوثی یمنی در دریای سرخ) ما را آزار می‌دهد و اسیر خود کرده است. سال‌هاست که ما مبارزان خود را برای جنگ در شجاعیه علیه حماس، در جبالیا علیه جهاد اسلامی، در مارون الرأس علیه حزب‌الله می‌فرستیم. حتی حوثی‌های یمن به خود اجازه حمله به اسرائیل را می‌دهند. من در جنگ دوم لبنان (۲۰۰۶) با بازوهای ایران، جنگیدم و دوستانم را در آنجا از دست دادم. ایرانی‌ها برای چندین دهه مصون بودند. دولت‌های ما در دهه گذشته فقط حرف زده‌اند، اما کاری انجام نمی‌دهند. بهای دردناکی از ایران گرفته نمی‌شود. سر اختاپوس را باید قطع کرد و موجب سقوط حکومت ایران شد.»

او همچنین نوشت: «بیایید واضح بگوییم: ایران، در حال جنگی همه‌جانبه علیه اسرائیل است. ایران از همه جهت به اسرائیل ضربه می‌زند. ایران، هم خود علیه اسرائیل می‌جنگد و هم از هر طرف، به اسرائیل ضربه می‌زند و اسرائیل ضربه می‌خورد. علاوه‌بر این، چون احساس مصونیت می‌کند، بدون ترمز در حال پیشرفت است و ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند و اکنون به یک وضعیت آستانه بمب اتمی تبدیل شده است. من به عنوان نخست‌وزیر برای تغییر آن تلاش کردم. من سران ارتش، موساد و شاباک را دعوت کردم و به آنها توضیح دادم که می‌خواهم تمرکز را به خود ایران معطوف کنم، که شروع به پرداخت تاوان کند. این کاری است که ما انجام دادیم. این باید ابراستراتژی ما باشد.»

لاف زنی بنت در حالی است که او با راهبرد ضدایرانی «مرگ با هزار ضربه خنجر» روی کار آمد اما ناکامی وی موجب شد ظرف یک سال، دولتش سقوط کند و نتانیاهو نخست‌وزیر شود.

اقدامات خرابکارانه و تروریستی و خرابکارانه دولت بنت، نه تنها به آرزوی وی نزدیک هم نشد، بلکه بحرانی‌ترین سال در تاریخ تاسیس رژیم صهیونیستی را در عمق سرزمین‌های اشغالی رقم زد.

«بحران موجودیت» اسرائیل، محدود به دولت افراطی بنت نیست؛ چنان که در دولت نتانیاهو، به عملیات خیره‌کننده «طوفان الاقصی» انجامید. دوستان و دشمنان اسرائیل یقین دارند که آن عملیات پیچیده، شکست راهبردی برای اسرائیل بود.

«بنت» در یادداشت وال استریت ژورنال، سعی دارد توانمندی اطلاعاتی موساد را به رخ بکشد، همان کاری که نتانیاهو خواسته با ترور شهید سید رضی موسوی در دمشق، درباره ارتش اسرائیل انجام دهد. اما ناتوانی چشمگیر ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، با عملیات پیچیده حماس (طوفان الاقصی) در باریکه غزه آشکار شد. اسرائیل در طوفان الاقصی، بزرگ‌ترین و غیرقابل ترمیم‌ترین شکست تاریخ خود را متحمل شد. بنابراین صهیونیست‌ها تقلا می‌کنند با انجام ترور یا افشای ترورهای قبلی، تصویر در هم شکسته بازدارندگی خود را احیا کنند؛ چرا که جبهه داخلی اسرائیل، با عمیق‌ترین حس شکست روحی- روانی دست به‌گریبان است. ۸۴روز پس از عملیات طوفان الاقصی، اسرائیل با وجود دو ماه جنایت کور نتوانسته، به هیچ هدف اعلامی در ضد حمله دست یابد. بنابراین مجبور است فرافکنی کند و با برجسته‌سازی نقش ایران، از بار سنگین شکست در مقابل حماس بکاهد.

مقام سابق صهیونیست: حماس هر روز بر شدت درگیری با اسرائیل می‌افزاید

رسانه‌های آمریکایی به نقل از منابع ارشد در رژیم صهیونیستی گزارش دادند که بر خلاف ادعای دولت اسرائیل، مقاومت در غزه همچنان ادامه دارد و هیچ نشانه‌هایی از شکست حماس دیده نمی‌شود.

روزنامه نیویورک تایمز در این باره نوشت: بر اساس داده‌های میدانی و امنیتی، حماس همچنان در غزه به مقاومت ادامه می‌دهد و هیچ علائم و شواهدی دال بر فروپاشی نظامی و سیاسی این گروه وجود ندارد.

این روزنامه به نقل از گیورا آیلاند رئیس سابق شورای امنیت داخلی اسرائیل، از رفتار حرفه‌ای نیروهای حماس خبر داد و نوشت: هیچ نشانه‌ای دال بر فروپاشی توان نظامی این جنبش و قدرت سیاسی آن در بر غزه وجود ندارد.

نیویورک تایمزهمچنین به نقل از یک مسئول اطلاعاتی سابق اسرائیل نوشت: این که تصور می‌شود حماس دچار فروپاشی می‌شود تصوری غیرواقعی است، زیرا ارتش اسرائیل هر روز با درگیری‌های شدیدی روبه‌رو می‌شود.

مئیر بن شبات، مشاور سابق امنیت داخلی اسرائیل هم اعلام کرد حضور میدانی حماس در این درگیری‌ها افزایش یافته و کار ارتش اسرائیل را سخت‌تر کرده است.

او به روزنامه وال‌استریت ژورنال گفت: حماس به اندازه کافی اعتماد به نفس دارد که هرگونه توافقنامه‌ای که پیروزی کامل آن را به دنبال نداشته باشد، رد کند.

روزنامه واشنگتن پست هم گزارشی منتشر کرد که در آن خاطر نشان